

قسم «بروس گرام»

دزدجو انهرد

اگر بگوییم که می خواهم سپاه
شدن تولد تو بایم تعجب خواهی کرد
له پیرا پیشنهادی نیستم که اجازه
استعمال کردن بند جوانه را بنمدد
فراز کردن بندان شود می ترس برود در
صلوچ را بکشید و قضیه وامنفت
شود بدین است عاقبت بیکروزی خواهد
بهمید ولی می ترس از اینهت آرزو
دشته لجهپنده و دزد هرچه میگست
بنخیر ازد بلکه در این اتفاق زدیدها
شود جو هرات از دست رفته من بدست
آید.

هیئت اولیه خواهی داشت اینهت آرزو
می کند اینهت اینهت دشمن هزاری
آنها میگردند و هر چیزی را که میگردند
میگردند اینهت دشمن هزاری
اعلام اینهت هزاری و اینهت هزاری
بار باش کفتم که من بخیر تو امید
قداره.

هیئت اولیه خواهی داشت اینهت آرزو
که در این اتفاق کاره که یعنی
«ولیم هارسی» صورت آن داشت
نگریسته بود می دید که بروید که
و اضطراب خاطر نرمایی کش از بشی
بود.

در این اتفاق مارشال درباره
ملک شترت یادش آمد که گفته
بود:

ملک شترت در نظر مادرین
اسکانه باره باره دارد دزد فرمی و بخشند
خانه ای ترین جو، هر میباشد اساساً
چون اینهای باره مادر من هستند آنها
دوست میدارم.

البته اینهای داری که روز پیش
«بیک» مرا چیزی بالی که در منزل
«سرجان ویکنیده» تشیل شده بود
دهوت کرد.

نمای علایم آن خواهی دارم زیرا
لذشته از اینهای خود آن ما چه از
لطف باره باره از ظریغه مادرید
و جوان مردی است بکروز می گفتند
که هله شترت یکی از مادرین ماره کات
زد ولی مادرین بدو نوشتو و از او بوزش
ظاییده برای جوان رفاقت توهنه آمیزی
که باو کرده بودیله اسکنیس ده لیره
ضمیمه نامه خود بدرخونه.

زیب پیکر خود از اینهای در آنهاست
و قلم هرچند عویم مر از برداشتن

آنها منم نوو و ایکه اقدن کرده
نود که دست داده از نم نم تصور

میگردم که خواهی دارم که خواهد گردید
که شنون چونه اینهای دارند

که در برداشته از جان اینهای دارند

و شنون اینهای دارند و دیگر داشتند
بیکه اینهای دارند و دیگر داشتند

که بر اینهای دارند و دیگر داشتند

در اینهای دارند و دیگر داشتند

که بر اینهای دارند و دیگر داش

